



امان الله استوار

((هر کی را دردی رسد ناچار گوید وای وای))

قسمت چهارم

عظمت طلبان ملی و برتری جویان قومی گوش فلک را کر کرده بودند که: هر گاه کسی به خیمه‌ایک پشتون پناه ببرد او را به دشمنش تسلیم نمی‌کنند. به ناموس حتی دشمن دین و وطن هم باشد تجاوز نمی‌کنند. ایشان صاحب ترحم و مردانگی بوده و برضعفاء و ناتوانان دل می‌سوزانند دهها و صد ها ازین تیپ او صاف نیک را تنها به قوم خود ارتباط می‌دادند، چقدر خوب و عالی ((کور از خدا چه می‌خواد؟ دو چشم بی‌نا!)) تمام عناصر آگاه کشور ما و بخصوص آکاها و مبارزین ملیت‌های ستمکش از خدا میخواهند که برادران پشتون ما کاملاً عادل بوده و به تمام هموطنان ما و اقواء مهربان باشند تا اینکه (گره‌های موجود در مناسبات غیر عادلانه و ضددموکراتیک اقوام و ملیت‌های کشور ما را با عوض دندان با دست باز کنیم) برتری جویان قومی ملیت‌های با هم برادر و برابر زجر کشیده‌ای ما را قصداً به فراموشی سپردند و سپرده بودند در صورتیکه خصائل فوق در سرشت مردمان عالی مقام خراسان زمین که پشتونها نیز جز آن میباشند در طول تاریخ عجین گردیده است. که اوصاف فوق در فهرست اوصاف پشتوالی نیز آمده است و پشتوالی نیز بذات خود یک روش و یک مکتب مروت - صداقت - ترحم - عدم تجاوز - بمال - شرف - عزت - ناموس - غیرت انسه‌های روی میباشند و مردانگی مهمان‌نوازی - وطنپرستی ناموسداری قدرشناسی - داشتن پاس نیکی دوستی و داشتن پاس خان و نمک و پاس همسایه‌داری نیک نیز جز پشتونوالی میباشد که در حقیقت بحیث یک رسم و رواج عالی و عنعنه‌پسندیده و انسانی نزد مردم نیکو سیر مادر طول تاریخ قبول گردیده است.

— برین اعمال چه میتوان نام گذاشت؟ • ازیک گوشه‌کشور ویا از آنطرف خط دیورند بیا زمینها - باغها - چهارباغها - خلاصه همه دار و ندار مردم محل و باشندهگان اصلی آنها با نیرنگهای گوناگون و بزور اسلحه و با استفاده از قدرت دولتی و با بکاربرد شیوه‌های سرکوبگرانه تصرف کن و شوره‌زارها را برای خود به علف‌زار تبدیل کن - مگر با قطع کردن آب مردمان پایینین آب تمام زراعت و باغداری آنها را نابود کن - چون مالداري وابسته به زراعت است با نبود زراعت مالداري نیز در مناطق مذکور برباد گردید • و با بربادي زراعت - باغداری و مالداري در جامعه با اقتصاد فیودالی مردمان آن جامعه بدون استثناء کاملاً تباہ و برباد میگردد • چنانچه باشندهگان بومی و لایت تباہ و به اصطلاح مردم ما خانه خراب گردیدند • اینکه عظمت طلبان قومی در سرپل و در اولسوالیه‌های پشتونکوت - دولت آباد و قیصار و لایت فاریاب چه کردند؟ از قلمبدستان آن

و لایت خواهشمندم که پرده از روی جنایت و ستمگری آنها بردارند. البته شوونیستها در سمنگان - بغلان - قندوز و تخار چه کرده اند؟ باید برای شناختن ریشه و پنجه ای اعمال برتری جویان قومی همه روشن فکران بطور هماهنگ و ظایف خود را انجام دهند. بطور مثال ((بونی قره)) را شولگره نام گذاشتند و با وارد کردن فشارهای گوناگون با شنده گان اصلی اش را مجبور به فرار بسوی کوه ها - چراگاه ها و للمی زار ها نمودند. چون زمین های شولگره خیلها حاصل خیز بوده و آب کافی و فراوان دارد. لذا برادران پشتون ما گروه گروه به اولسوالی مذکور هجوم برده آن ولسوالی را کاملاً اشغال نمودند. قابل تذکر میدانم که در سال ۱۳۵۴ در زمان جمهوری سلطنتی داود خان از مجموع فارغان لیسه شولگره (اصل بونینقره) تنها (۶) شش نفر فارغ التحصیل آن غیر پشتون و متباقی همه از برادران پشتون ما بودند و در طی زمان کمتر از ۷۰ سال یک منطقه را تقریباً از با شنده گان اصلی اش پاک نمودند. و با شنده گان اصلی ((بونی قره)) در کوهها - دشتها و للمی زارها از سردی - گرمی و از مبتلا شدن به امراض گوناگون و از عدم دسترسی بدوا و داکتر و از نبود و نرسیدن واکسن های لازم و ضروری به اطفا نشان نسل آنها انقراض نمود. برای ترسیم یک تصویر ناقص از ستمگری های ملی در صفحات شمال عجالتاً به تقدیم سه نمونه اکتفاء میکنیم.

— روزی کمال الدین اسحق زی در زمان سلطنت ظاهر شاه بابای بیکاره ملت بالای دهقانان محل غضب نموده هشت نفر از دهقانان را در روز روشن در پیش چشمان مردم می کشد و به مزدوران - جلادان و سوارکاران خود امر می کند که کشته شده گان را بزرگی کنند و بعد از پارچه - پارچه شدن جسد مظلومان زیر سم ستورانش امر میکند که بقایای کشته و بزرگی شده گان را در یک خرمن خار بسوزانند. مردم سرپل از دست کمال الدین اسحق زی به السوال و والی ولایت و به شخص شاه و صدراعظمش که بعداً به رهبر تاریخ ساز شهرت داده شد (!) عربزه دسته جمعی نمودند. کسی به کمال الدین اسحق زی نگفت که بالای چشمانت ابروست بر خلاف وی با حمایت قاطع مقام سلطنت و دربار و بزور برچه عدولت شاهی به دوره های ۱۲ و ۱۳ شورا ملی قهرآ و جبراء وکیل پارلمان از اولسوالی سرپل انتخاب (انتصاب) گردید و اگر کودتای داود خان تا هنوز صورت نمی گرفت خان صاحب ما تا امروز وکیل مقتولینش در پارلمان بابای ملت (!) میبود. از تصادف در تابستان سال ۱۳۵۹ در کمره مرکزی ح. د. خ. ۱۰ به دفتر سید اکرام پیگیر نشسته بودم که کسی با عجله آمده از دیدن کمال الدین اسحق زی در دهلیز کمیته مرکزی خبر داد. پیگیر صاحب با عجله از دفتر خود بیرون شدند تا او را به سربازان محافظ کمیته مرکزی تسلیم نمایند تا بر اساس جنایات انجام داده اش زندانی و محاکمه گردد. ولی بعد از چند دقیقه پیگیر صاحب بدفتر خود برگشتند و گفتند که کمال الدین خان اسحق زی نزدیکی از کارندان عالی رتبه و کمیته مرکزی تشریف (!) آورده است. و می گویند که کمال الدین خان اسحق زی در زمان داکتر صاحب نجیب اله شهید بحیث رئیس کمیسیون مصالحه ملی و لایت سرپل تعیین گردیده بوده است. ناگفته نماند سالها قبل پولیاک مورخ مشهور از کمال الدین اسحق زی بحیث یک فیودال تیپیک که از خود صاحب زندان میباشد تذکر داده بود. — در ولسوالی دشت اچی (دشت شور و یادشت تلخ نیز گویند) بعد از اعمار و تکمیل گردیدن نهر بزرگ آب در اثر کار دسته جمعی و پر مشقت و دوامدار توسط ازبکها و ترکمن ها نواقل گروپ گروپ طبق پلانهای قبلاً تنظیم شده دولت به دشت اچی سرازیر گردیده همه زمینهای سیراب شده را مثل میراث پدر و پدر کلان خود تصاحب نمودند کسانیکه سالها زحمت طاقت فرسائی را به امید صاحب زمین - آب و نان شدن کشیده بودند با چشمان گریان و دل پر حسرت به کولبه های فقیرانه ای خود برگشتند و بدرازی عمر بابای دلسوز - مهربان - پدر پدر دموکرات - رعیت پرور و ذات هما یونی (!!!) دعاء نمودند.

— از تصادفات روزگار و از عجایب زمانه ای ما شور طالعها در کشور ما انقلاب سرخ کارگری توسط بخش انقلابی قوای مسلح بنام تحت رهبری دایه ها ناهغه شرق - نتره

کی و ح. د. خ. ۱۰ ولی در حقیقت همه کاره میدان حفظ اله امین بود پیروز گردید وی بعد از تصفیه مخالفین عمده خود از قدرت دولتی طی فرمان متحد المال تمام مسوولین هشت و لایت شمال را از ولسوالی دشت اچی تعیین نمود و نام دشت اچی را مسکو کو چک گذاشت. از تصادف یکی از آن کادر های نابغه مشرب از هشت و لایت شمال زیاده با تخلص ((آفت یعنی بلاء)) در ولایت بخت برگشته و لوگر بحیث والی تعیین گردیده بود و هرروز از کار و فعالیت آن بلاء در رادیو و تلویزیون دولت خلقی گزارشات عریض و طویل نشر و پخش میشد همه خر سبند بودند که والی صاحب چه یک تخلص مناسب که بیان کنند شخصیت اصلی و واقعی شان می باشد برای خود انتخاب نموده اند تا اینکه در کوتاه مدت مردم و لایت لوگر از شر آن آفت نجات یافته و بلای مذکور با یاران دیگرش یکجا شده بر ثقلت آفات نازل شده از طرف حفیظ اله بر هشت و لایت شمال افزون گردید. جای تعجب درینجاست که چطور تاریخ بشکل و محتوای دیگر در کشور استبداد کوفته عماتکرار گردید که فرزندان همان پدرانیکه به امر سلطان مستبد آب - زمین و نان مردم را غصب نمودند فرزندان شان به فرمان ((ستاره و سرخ با مداد انقلاب ثور)) آنها تقریباً تنها از یک ولسوالی تمام مقامات کلیدی حزبی و دولتی را در هشت و لایت شمال تصاحب نمودند و هنوز وقت نیافته بودند که تمام کسانی که سر اش به تنش می ارزد نابود سازند طوفا نی از شمال برخاست و این گروه اجینه ای خبیثه را در کام خود فرو برد ((بلاء بود و برکت اش نی))

پایان سخن: هموطنان عزیز و افغانهای دور از میهن! در فوق بطور نهایت فشرده و محدود بالای خیانت - جنایت و ستمگریهای شوونیستها و برتری جویان قومی تمام گرفتار هر کسیکه در مورد عرایض بنده اعتراض داشته باشند حاضر با دلائل بیشتر - قویتر مستندتر - برهنه تر گفته های خود را با فکتهای انکارناپذیر به اثبات برسانم که نوشته هایم همه حقایق تلخ و جانسوز میباشند نه یک مشت اراجیف میان تهی - دورغین و تبلیغاتی.

— همینطوریکه خلقهای جرمنی در پیشاپیش خلقهای جهان بر ضد فاشیسم رزمیدند - جنگیدند و قربانی بیشماری دادند و از آنجائیکه تاریخ را همیشه فاتحین نوشته و می نویسند مبارزات خلق جرمنی و قربانی جرمنها بر ضد هتلر و هتلریها در سایه قرار گرفته است. لذا خلق جرمنی منفی از فاشیستها و جنایت پیشه سزاوار حرمت و احترام بی پایان هستند بخاطر اینکه خلقهای صلح دوست - ترقی پرور و با انضباط جرمنی عذاب فاشیسم را کمتر از دیگر خلقهای جهان نکشیده است و با تاسف تا هنوز بمبارزات و قربانی های خلقهای جرمنی بر ضد هتلر و هتلریها نهایت کم بها داده شده است.

— هموطنان ریکه خلقهای ایالات متحده امریکا بر ضد جنگ احمقانه و یتنام که زیر شعار خطر کمونیزم بطور عوامفریبانه بخاطر دامنزدن بجنگها جهت فروش بیشتر سلاح و مهمات توسط کمپنیهای اسلحه سازی براه انداخته شده بود مبارزات وسیع و گسترده نموده پروسه ای تدوین کرده صلح با وینا مهارا تسریع بخشیدند همزمان خلقهای سفید پوست امریکا و بخصوص چپهای امریکا یکجا با هموطنان سیاه پوست خود عملکردهای قصر سفید را در مورد سیاه پوستان شدیداً محکوم نموده جهت رسیدن به برابری حقوق سیاه پوستان با سفید پوستان به کامیابی های درخشان نائل گردیدند. همچنان خلقهای دانش پرور - صلح خواه و بشر دوست امریکا قبل از آغاز جنگ و در جریان جنگ عراق همیشه بطور دوامدار سیاستهای جنگ طلبانه ای دولت جورج دبلیو بوش را محکوم نموده و فیصدی حمایتی گران جورج دبلیو بوش را هر روز یکه سپری میگردد کم و کمتر می سازند. چرخش وضعیت سیاسی در امریکا از

مبارزات عادلانه - دموکراتیک و بشر دوستانه مردم آمریکا بر ضد سیاستهای جنگ طلبانه
ء جورج دبلیو بوش سر چشمه میگیرد لذا خلق صلح دوست و ترقی پرور آمریکا سزاوار
حرمت و احترام بیایان هستند .

— همچنان زمانی سوسیالیست دموکراتها در روسیه ای تزاری بر ضد ولیکا یا روسها خود
با شجاعت و شهامت رزمیدند و با بانگ رسا به تمام جهانیان ابلاغ و اعلان نمودند که : ((
روسیه تزاری زندان ملتهاست)) تا اینکه روزی مجبور به سرنگون نمودن آن دولت ستمگر
خود گردیدند . درین روزها نیروهای دموکراتیک روسیه تحت رهبری رئیس جمهور . و
. د. پوتین بر ضد نیروهای نیوفاشتهای روسی الاصل مبارزه می نمایند . لذا خلقهای
روسیه منفی برتری جویان روسی و نیوفاشتهای روسیه شایسته احترام بوده و عمل
نیک شان سزاوار قدردانی بزرگ است .

— خلقهای صلح دوست - ضد جنگ و بشر دوست اسرائیل که برضد دولت اشغالگر
خود میزمنند . لذا محکوم نمودن خلق اسرائیل

دور از عدالت بوده و طرح نابودسازی اسرائیلیها نشانه دیوانگی - خرد باختگی و
تسلط تعصبات کور کننده دربر داشته و تحلیلهای اشخاص و افراد جنونزده میباشند
. لذا خلق جفاکش - سرگردان - ستمدیده و وطن گم کرده و پر استعداد اسرائیل که
خواهان زنده گی صلح آمیز با همسایه گان بوده جنگ و تجاوزات دولت و نظامیان کشور
را خود را محکوم می نمایند شایسته نوازش - دوستی و احترام متقابل انسانی و بشر
خواهانه میباشند . بعد از بیان چهار نمونه فوق حالا باید راجع به خانه ای کثیر
الملیت - کثرت اقوام و هزاران هزار زخمیر داشته خودمان با احساس مسوولیت بی
اندیشیم . بعد از تقدیم اینهمه استدلال و دلایل انکارناپذیر و فاکتلهای دقیق و
مستند هرگاه روشنفکران و افراد تحصیل کرده و چیز فهم برادران پشتون ما که ادعاه
دموکرات بودن - انسان دوست بودن - بشر دوست بودن را دارند و گپ از حقوق بشر میزنند
واز عدالت اجتماعی جوال جوال سخن بمیان می آورند . هرگاه ایشان شوو نیزم پشتون و
ستمگریها نیکه از طرف پشتونها در طول تاریخ حاکمیت شان بر ضد اقوام و ملیتهای دیگر
صورت گرفت است که همه آن اظهار من الشمس میباشند . با شهامت انسان دوستانه و با
در نظر داشت منافع کلیه باشنده گان کشور ما تانید و تصدیق نه نمایند . ایشان افراد بطی
الانتقال - کوتاه فکرو بیدانش هستند و یا دیده و دانسته در گفتار دموکرات و روشنفکر ولی
در کردار شوو نیست - مستبد - عظمت طلب و برتری جو میباشند . بگذار روشنفکران
تحصیل کرده گان - دانشمندان - سیاستمداران و مبارزان برادران پشتون ما با
موضعگریهای روشن و تاریخی خویش موقف خود را در مورد حل مسئله ملی و گذشته
ء خونبار آن هر طور یکه آرزو دارند بیان دارند تا بر اساس موضعگیری ایشان تاریخ قضاوت
خود را در مورد آنها انجام دهد . از تصادفات نیک تاریخ بهترین چانس ها و امکانات مساعد
ملی و بین المللی را برای مبارزین - روشنفکران و دموکراتهای پشتون تبار ما مهیا گردانید
است که شوو نیزم و برتری جوی قومی را افشاء و رسوا نموده خلی کمبود پشتونهای ضد
برتری جوی قومی را بطرف پرشدن یاری رسانند در غیر آن طوریکه شاعری میگوید:

هر کی پا کج میگذارد خون دل ما میخوریم

شیشه ناموس عالم در بغل داریم

ما در غیر آن عدالت طلبان و برابر بری خوان ملیتهای باهم برادر کشور ما مبارزه برضد
زورگوی یکه تازی انحصار طلبی و خود محوری را رسالت سترگ خود قرار خواهند داد و
به کامیبهای شگرفی برخلاف تصورات و آرزوهای بلند پروازانه برتری
جویان قومی دست خواهند یافت .

خو اننده گان عزیز و گرانقدر! برای ما بیش از این ننگ و عار میباشد که شوونیزم و ستمگری ملی را با بانگ رساء محکوم نکرده و در برابر ستمگری آنها خموشی اختیار نموده و مهر سکوت بر لب زده و شهادت بیان حایق تلخ و انکار ناپذیر و آفتابی را نداشته باشیم. بعد ازین نباید به هرکس اجازه داد که به اصطلاح مردم ما ((بینی خود را سیاه نموده نام خود را آهنگر بگذارد)) ما همه شاهد زنده هستیم که یکتعداد از رهبران جناحهای مختلف ح. د. خ. ا. دیده و دانسته روی دلایل گو ناگون که بیان آن درین نوشته عملی و مقدر نیست و در برابر یاران و همزمان شو نیست خود که آنها اهداف برتری جویانه خود را زیر شعارهای پر جاذبه ای مبارزه عطفاتی و یکسلسله شعارهای عمومی ما هرانه مخفی نموده کادرها و شخصیتهای انقلابی و وطن پرست را بنام سکتیست - تجزیه طلب - ناسیونالیست - پانترانست ۰۰۰ و غیره محکوم نموده از رهبران و کادرهای صادق و عدالت پسند سلب جسارت انقلابی و سلب روحیه عدالت خواهی را نموده بودند و جهت دستیابی به اهداف خود به هر وسیله ممکن و ناروا مبادرت می ورزیدند. تعداد از رهبران جسارت باخته در کنار هر چهار رهبری بر سیاست غلط کادری رهبران با دیده اغماض می نگرستند بر خلاف کسانی که یکجا با من از سیاست غلط کادری رهبران انتقاد می کردند روزشان به اصطلاح مردم مازار و سیاه گردیده بود. لذا با استفاده ازین تربیون از تمام مدافعین جسور طرح برابری ملی و عدالت اجتماعی احتراماء خود ا هشمندم آن عده از روشنفکران و مبارزین که شو و نیز م عظمت طلبانه را از ریشه و بنیاد محکوم ننمایند باید صف خود را برای پیمودن راه های باقی مانده از همچو عناصر منحط - ضد دموکرات و عقب مانده که در گفتار دموکرات و بشر دوست ولی در کردار مستبد - دیکتاتور و یا معامله گر هستند جدا سازیم.

در فرجام باور کامل دارم که: با داشتن یک خط مشی روشن و عادلانه - دموکراتیک - علماء تنظیم شده - آزمون شده - خلاق - انعطاف پذیر - رهگشاه - فراگیر - وسیع البنیاد - از جهت تاریخی قابل حصول و کاملاً بر مبنای خط فکری نوین که از هر نگاه جواب گوی نیازمندیهای زمان ما بوده و بر اساس واقعیت های جامعه و جهان امروز تهیه و ترتیب گردیده باشد. البته با انتخاب شیوهها و راهها و میتودهای کهنه شده تاریخ زده و ضد دموکراتیک که به هیچصورت نمیتواند حلال مشکلات - نارسائیهها و کمبودیهای و طن و مردم ما باشد نمیتوان بسر منزل مقصود رسید.

- با مارش ظفر آفرین به پیش بخاطر افشاء و ریشه کن نمودن هر گونه ستمگری - نابرابریهای ملی - اجتماعی و قلدور منیشیهای گوناگون و اتخاذ یک مشی انسانی - عادلانه تریخواهانه - خلاق و دورا نساز در کلیه عرصها بخاطر تامین ترقی سعادت سر بلندی - بهروزی - برادری برابری در وطن بر باد شده ما و مردم تبا ه گردیده آن و برای محو هر گونه بی عدالتی از کشور ماتمزده ما!

پیشنهاد مینمایم که: هموطن محترم و گرانقدرم عطا محمد نوروالی و لایت بلخ یک کمیسیون تشکیل داده تمام نامهای محلات و مناطق و لایت بلخ را که توسط باند جنایت پیشه ای وزیر محمد گل خان مهمند نامگذاری گذاری گردیده است مسترد نموده و نامهای اولی - اصلی - تاریخی و باستانی را در قلمرو ام البلاد دوباره باز گردانیده و یکی از خواسته های دموکراتیک - عادلانه و بر حق مردمان ولایت بلخ را بر آورده سازید!

نوت: از خواننده گان گرانقدر مهر بان و دلسوز در کشور با عرض احترامات مزید خوا هشمندم که پیشنهادات مرا خدمت محترم والی صاحب رسانیده مرا مدیون خویش سازید. -- با عرض حرمت!

پایان قسمت چهارم

ختم